

مکه



در سال ۱۳۲۷

ترجمه: محمد علی سلطانی

آنچه در ذیل می‌آید نوشته‌ای است از آقای محمد حرب استاد دانشگاه مدینه منوره در بازگویی حوادث مکه در سال ۱۳۲۷ که از لابلائی کتاب «عالم الاسلام» عبدالرشید ابراهیم استخراج و در شماره دوم سال دهم «شوال ۱۴۰۹» مجله «عالم الکتاب» نشر یافته است، جهت استفاده خوانندگان ترجمه آن تقدیم می‌گردد:

عبدالرشید ابراهیم، مبلغ، نویسنده، قاضی و جهان‌گردی است که در سبیری تولد یافت و در ژاپن فوت کرد. وی بخش مهمی از زندگی طولانی خود را به سیاحت در کشورهای آسیایی و تبلیغ اسلام گذراند. در ژاپن عده زیادی توسط ایشان مسلمان شدند و به تلاش وی، حکومت ژاپن به اسلام، به عنوان یکی از ادیان اعتراف کرد. او ماجرای مسافرتش را که شامل سفر به چین، کره، سنگاپور، اندونزی، هند، ژاپن و شبه جزیره عربستان می‌گردد، تدوین کرد. این سفرنامه به زبان ترکی در سال ۱۳۲۸ در استانبول چاپ شد.

عبدالرشید ابراهیم در سال ۱۳۲۷، بعد از گردش در کشورهای زیادی که شرح آن را در «عالم الاسلام» آورده‌است، به سرزمین حجاز رسید و در ۲۵ ذی‌قعدة همان سال وارد جده شد. لازم به یادآوری است که این تاریخ، زمان حاکمیت محمد رشاد؛ یعنی سیطره



«جمعیت اتحاد و ترقی» بر شوون دولت، سلطنت و ایالات دولت عثمانی، پس از پیروزی اش در خلع سلطان عبدالحمید است.

در توصیف مکه در سال ۱۳۲۷ که موضوع این نوشتار است، خواننده کوششی در راستای پیرایش سفرنامه مؤلف از هر آنچه بدور از توصیف صرف است خواهد دید؛ نظیر بازتاب احساسات شیخ در توصیف، انجام مناسک حج و نقد وی از جریانات و اشخاص به نیکی و یا بدی و هر نوع حاشیه پردازی که در توصیف مکه در سال ۱۳۲۷ نیازی بدان نیست.

* * *

در جدّه حاجیان توصیه به زیارت قبر حوّا می شدند. پاره‌ای به این توصیه عمل می کردند و گروهی دیگر مستقیم رفتن به مکه را ترجیح می دادند. دو نوع قافله که صبحگاهان از جدّه به مکه حرکت می کردند فراروی آنان بود؛ قافله‌های شتر و قافله‌های الاغ. قافله‌های شتر در دو روز و قافله‌های الاغ تنها در ۱۲ ساعت، تا مکه را طی می کردند. آنان که بار و بنه فراوان داشتند؛ قافله‌های شتر و آنان که زاد و توشه کمتری داشتند قافله‌های الاغ را برمی گزیدند لیکن بسیاری برای آن که فرمان الهی در «وَسَارِعُوا» را عمل کرده باشند، قافله‌های الاغ را به علت سرعتشان ترجیح می دادند.

راه جدّه به مکه، راهی شنی و تهی از هرگونه بنا است. در گرداگرد حاجیان، گستره زمین تا آنجا که چشمشان کار می کرد پوشیده از شن بود و در دو سوی راه جز قهوه‌خانه‌هایی که از برگ درخت خرما ساخته شده و آشیانه نامیده می شود، چیز دیگری وجود ندارد. بعد از دو ساعت سفر در چنین بیابان شنی و ناهمواریهای سنگی، که در آن جز کوههای سنگی سیاه سوخته نیست، یک نوع گیاه دارویی به نام سنا و خارخسک رخ می نماید. بین جدّه و مکه جایی است به نام «حده» که ساکنانی بدوی دارد و نیز مسجدی در نزدیکی مکه موجود است.

در مکه خیابان بزرگی است به نام خیابان شیخ محمود، شیخ محمود مراد از علمای بزرگی است که به خاطر کتابهایش شهرتی دارد. و در مکه مقیم است. وی کتاب «المکتوبات» امام ربّانی را به عربی ترجمه کرده و کتابی نیز به نام تلیق الأخبار به زبان عربی، در موضوع تاریخ، دارد. شیخ محمود مراد به سه زبان دینی مشهور عربی، فارسی و ترکی تألیفات دارد و به این سه زبان خوب سخن می گوید و می نویسد. این شیخ از نژاد تاتاری از منطقه قازان است



که از نیم قرن قبل در مکه مکرمه ساکن شده است. وی در علم اصول، فقه، تفسیر و حدیث دارای آگاهیهای فراوان است. و علی‌رغم دانش پر ارجش، قدرش ناشناخته است و به شغلی کوچک گویا خدمتکاری در مهمانسرای حجاج تاتار مشغول است.

در مکه مکرمه، مجموعه‌ای از مهمانسراهای حجاج بود که به علت انتساب به قازان، پایتخت کشور تاتار در ساحل رودخانه ولگا، تکیه قازانیه نامیده می‌شوند و حاجیان که از روسیه می‌آمدند در آنجا رحل اقامت می‌افکندند و تا مدتی که در حج بودند در این تکیه‌ها سکونت می‌کردند. در هر تکیه فردی به امور تکیه نظارت می‌کرد و به تعبیر درست‌تر، به خدمتکاری حجاج همت می‌گماشت و حاجیان تاتار، در پایان مدّت بقایشان در مکه، در صورتیکه از خدمات وی راضی بودند، صدقه‌ای به وی می‌دادند. تعداد حاجیان در سال ۱۳۲۷ به چهارصد هزار نفر می‌رسید و برخوردها به شیوه اسلامی بود و هیچ وقت برخوردی بدور از چهارچوب ادب دیده نمی‌شد. هیچکس کسی را آزار نمی‌داد و هیچ فردی از فرد دیگر آزار نمی‌دید به خاطر هدف، نظم و مدیریت امری طبیعی و اخلاقی شده و کاملاً تربیت اسلامی



حاکم گشته بود.

پس از حج گروهی از حاجیان برای برگشت به وطنشان آماده می‌شدند و پاره‌ای حدود یک هفته در مکه ماندند و بعضی دیگر رو به سوی مدینه و زیارت روضه مطهره پیامبر نهادند. آنان که در پی برگشت به وطنشان بودند، به خرید نیازمندیها، خلعت و برداشتن آب زمزم جهت بردن به شهرستان، مشغول شدند. از این روی مکه دو یا سه روز پس از اتمام مناسک همچنان پر جمعیت بود.

در مکه خیابان فرعی و حتی خیابان اصلی کم است، از این رو بسیار شلوغ می‌باشد. وسایل حمل و نقل گوناگون؛ از قبیل: شتر، هودج، تخت روان و غیره در آن وجود دارد. هودج وسیله‌ای است که بادیه‌نشینان برای بردن حاجیان، بگونه‌ای که هر دو حاجی با یک شتر برده شود، اختراع کرده‌اند.

یافتن جایی برای استراحت مشکل است و انواع غذاها در خیابانهای تنگ، بازارها و خیابانهایی که کمی وسعت دارند پخته می‌شود. نانوايي در مکه انگشت‌شمار است؛ تنها در سه محل که همگی طبق شیوه قدیم نان می‌پزند. علی‌رغم ازدحام جمعیت و کمبود جا در مکه، امکان برگزاری جشنها، مراسم رسمی و مجالس شخصیت‌های مهم؛ نظیر شرفا و حاکمان وجود دارد. در مکه پلیس و شهرداری یافت نمی‌شود، با این حال در همه جای مکه امنیت و آرامش خاطر حاکم است. کمترین شخص در حج بیست لیبره همراه خود دارد با این حال هیچ حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتد.

در چهاردهم از شهر ذی‌حجه سال ۱۳۲۷ در مکه باران بارید و حرم به دریاچه‌ای تبدیل شد، بطوری‌که جز در قسمت سدّ باب‌الزیاده، مکانی خشک یافت نمی‌شد. در این روز نماز مغرب و عشا در حرم اقامه نشد و نماز صبح روز بعد تنها در باب‌الزیاده برگزار گردید. گروهی از حاجیان به جدّه رفتند. در عین حال بیش از صد هزار حاجی در مکه ماند. جایی برای برگزاری نماز نبود و مردم با حال وحشت و اضطراب در میان آب راه می‌رفتند، امیر حج، شریف و والی هم در میان آب گام برمی‌داشتند. آب تمام مقامات مقدسه؛ از جمله مقام ابراهیم - ع - را در خود فرو برد، آلودگیها را از خیابانها آورد و مقامات مقدسه را آلوده کرد. هیچکس قادر به طواف و نماز نبود تا آنجا که گروهی از حاجیان بناچار طواف وداع را ترک

کردند. در روز دوم، بخشی از این آلودگیها به فئاتها سرازیر شد و مردم به مقدار توانائیشان به خارج کردن آب از حرم شریف مشغول شدند و بوی کریه آلودگیها همه فضا را فراگرفته بود و علی‌رغم همه اینها «وبا» راه به مکه نیافت.

همه حاجیان در تمیز کردن حرم شرکت جستند. این کار دو روز طول کشید و با همه تلاش، جز مقدار کمی جا جهت برگزاری نماز نتوانستند تمیز کنند. به علت آلودگی اطراف کعبه و زمزم، دو روز نماز جماعت برپا نشد. حتی حطیم در آب فرو رفت در عین حال داخل چاه زمزم از آلودگی حفظ شد. بسیار از مردم در این جریان کشته شدند. عده‌ای از طبیبان در مکه مکرمه، به مسؤولیتشان عمل نکردند و در انجام وظیفه کوتاهی ورزیدند و از امیر، والی و مسؤولی نمی‌ترسیدند و علت سهل‌انگاریشان این بود که آنان از سوی «جمعیت اتحاد و ترقی» در استانبول تعیین شده بودند. تعداد مدارس در مکه فراوان بود لیکن مفتی، مدرس و یا عالمی که برجسته باشد و بتوان انگشت روی آن گذاشت وجود نداشت.

اوقاف فراوانی در مکه هست ولی بسیاری از آنها در دست ناهلان قرار دارد و به املاک شخصی تبدیل شده است. مکه مکرمه محروم از علم و فضیلت‌های انسانی - اسلامی شده است. از این روی رواست که سیصد میلیون مسلمان - تعداد تمامی مسلمانان جهان در آن سال - بر مکه مکرمه گریه کنند.

در هشتم ذی‌حجه و دقیقاً در ساعت ۱۰ امیرالحاجی که سلطان محمد رشاد از استانبول فرستاده بود سوار بر اسبی سفید رسید، بر جبل‌الرحمه فرا آمد و خطبه‌ای خواند و از این لحظه انبوهی از جمعیت انسانی لبیک‌گویان عرفات را به لرزه درآوردند. قبل از رسیدن امیرالحاج به جبل‌الرحمه، شلیک گلوله‌های آتشین، برپایی مجالس مهمانی، رژه‌های نظامی و رسمی برپا گشت و مردم به خواندن قرآن کریم و لبیک گفتن مشغول شدند.

در ساعت یازده - یک ساعت بعد از رسیدن امیرالحاج - به همراه دعا و فریاد، خیمه‌ها برچیده و بر شتران جهت حرکت به سوی مزدلفه، بار شد.

در مکه، چانه‌زدن بر سر قیمت قربانی، بویژه در وقت گرما بسیار کم پیش می‌آید. گرچه بادیه‌نشینان هم افزون از قیمت متعارف، درخواست نمی‌کنند.

حاجیان از اسرافى که در نتیجه کشتن و رها کردن قربانیها در گودالها بوجود می‌آید، گفتگو می‌کردند و می‌گفتند: زمانی برسد که از گوشت قربانی بهره بگیرند. بعضی می‌گفتند: کی می‌شود که در مکه کارخانه‌ای برای حفظ گوشتها برای بهره‌گیری مردم، سربازان و صدور آن به اروپا به وجود آید؟ و بعضی دیگر می‌گفتند: زمان بهره‌گیری از گوشتهای قربانی فرا خواهد رسید.

از حوادث مهم مکه در سال ۱۳۲۷ آمدن «عزیز مصر» خدیو عباس حلمی پاشا به مکه است. استقبال رسمی پرشکوهی از وی انجام گرفت و به احترام وی گلوله‌هایی شلیک گشت. وی به منزل شریف حسین امیر مکه وارد شد مادر خدیو، ارکان دولت و همراهان با وی بود. حضور وی در مکه موجب شادی حاجیان شد؛ زیرا شخصیت‌های اسلامی کمتر به حج می‌رفتند.

عزیز مصر در روز دوم ورودش به بازدید والی مکه مکرمه امین‌بگ رفت و آنگاه به بازدید مجموعه حکومتیان پرداخت؛ زیرا در روز استقبال عده زیادی از رجال دین و علم جهت عرض سلام آمده بودند. همچنین از حوادث مهم در این سال اقدام جمعیت «اتحاد و ترقی» ترکیه به برگزاری اجتماعی در باشگاه «اتحاد و ترقی مکه» جهت شرکت نمایندگان اقوام مختلف مسلمان است. این اجتماع به ریاست شریف ناصر که یکی از شرفای مکه است برپا گشت. در آغاز نماینده «اتحاد و ترقی مکه» آقای فرید افندی به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: لازم است سلانیک به پایگاه مسلمانان در سرتاسر جهان تبدیل شود و شعبان جمعیت «اتحاد و ترقی» که در هریک از کشورهای اسلامی ایجاد می‌گردد، تابع سلانیک باشد. مناسب است یادآوری گردد که سلانیک امروز جزء یونان است. شیخ عبدالله آبانای که یکی از علمای قازان بود برخاست و به سخنرانی پرداخت و لزوم اتحاد مسلمانان را مطرح کرد و گفت: ضروری است در مکه مکرمه مجمعی حقیقی از علمای اسلام باشد تا مرجع برای تمام علمای جهان اسلام گردد.

علما و شخصیت‌های گوناگون در این گردهم‌آیی سخن گفتند تا آن که یکی از طالبان علم الأزهَر برخاست و به ایراد سخن پرداخته، گفت: لازم است مردم مسلمان بجای زبان محلی، با زبان عربی که زبان قرآن کریم است سخن بگویند که این پیشنهاد اعضای باشگاه

اتحاد و ترقی در مکه را خشمگین ساخت و یکی از آنان برخاست و سخنرانی روحانی الازهری را قطع و شروع به فحاشی و تهدید کرد.

از حادثه‌های شگفتی که در سال ۱۳۲۷ در مکه مکرمه بوجود آمد؛ افزایش تعداد حاجیان یمن بود. در این سال بیشتر از هر سال دیگر آمده بودند و با پولهای انگلیسی که با خود آورده و بذل و بخشش می‌کردند، توجه همه را جلب کرده بودند. تا قبل از این تاریخ، پول انگلیسی در مکه دیده نشده بود. این موضوع نظر تاجران مکه را هم به خود جلب کرد.

از شگفتیهای دیگر، پخش نوشته‌هایی به نام «خلافت عربی» بود.

بین حاجیان شایع شد که «عزیز مصر» خدیو عباس حلمی پاشا در سفرش به مکه شخصی را به همراه آورده‌است که کار چاپ انجام می‌دهد و مسیحی است. و در مهمانی شریف حسین در کنار خدیو شرکت کرده است، با آن که ورود غیر مسلمان به مکه مکرمه حرام است.

همینطور شایع شد که به همراه خدیو، خبرنگار روزنامه تایمز لندن نیز آمده است و مشخص نشد که این خبرنگار همان چاپگر است و یا آن که به همراه خدیو، دو نفر مسیحی به مکه آمده‌اند.

همچنین از اتفاقات برجسته این سال (۱۳۲۷) بوجود آمدن دوستی بین مصریها و یمنیها است، بگونه‌ای که با دو حاجی یمنی یک حاجی مصری است.

دستگیری دو طلبه ازهری نیز از وقایع حج امسال است که یکی از آن دو، در پی شایعه پیدا شدن نامه‌ای دستنویس از جیب وی به ادیسی در یمن بود که دستگیر و جهت تحقیق به استانبول فرستاده شد. گویا این شایعه از سوی وکیل والی از افراد حزب اتحاد و ترقی ساخته و پرداخته شده بود. و ممکن است این همان طلبه‌ای باشد که بر خلاف شیوه «اتحاد و ترقی» در توسعه زبان ترکی، مسلمانان را به انتخاب زبان عربی به عنوان زبان رسمی فراخواند.

قابل توجه است که در مکه، دو نوع حاکمیت وجود دارد؛ ۱- بدست اشراف مکه
 ۲- بدست حکومت. در این بخش قدرت در دست والیانی است از میان ارتشیان عثمانی که زبان عربی را نمی‌دانند.